

فرهنگ اویم ایوک

کهن ترین فرهنگ دوزبانہ ایرانی

نادیا حاجی پور

فرزانه گشتاسب



انتشارات فوج



پوهنځی کلاسیک و علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

فرهنگ اویم ایوک

کهن‌ترین فرهنگ دوزبانه ایرانی

متن، آوانویسی، ترجمه فارسی، یادداشت و واژه‌نامه

دکتر فرزانه گشتاسب

دکتر نادیا حاجی‌پور



مؤسسه فرهنگی انتشاراتی
فروهر



پژوهشگاه علوم انسانی
و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

با همکاری انتشارات فروهر

فرهنگ اویم ایوک

کهن ترین فرهنگ دو زیانه ایرانی

متن، آوانویسی، ترجمه فارسی، یادداشت و واژه‌نامه

مؤلفان: فرزانه گشتاسب، نادیا حاجی‌پور

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: گشتاسب، فرزانه، ۱۳۵۲ -

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ اویم ایوک: کهن‌ترین فرهنگ دو زیانه ایرانی (متن، آوانویسی، ترجمه فارسی، یادداشت و واژه‌نامه) / فرزانه گشتاسب، نادیا حاجی‌پور.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: سازمان انتشارات فروهر، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۳۶۵ ص

شابک ۸ - ۹۹۹ - ۳۲۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیلد

عنوان دیگر: کهن‌ترین فرهنگ دو زیانه ایرانی (متن، آوانویسی، ترجمه فارسی، یادداشت و واژه‌نامه).

موضوع: زبان اوستایی - - صرف

موضوع: Avestan language - Morphology

موضوع: زبان اوستایی - - واژه‌نامهها - فارسی

موضوع: Avestan language - Dictionaries - Persian

موضوع: زبان اوستایی - - متن‌ها

موضوع: Avestan language - Texts

شناسه افزوده: حاجی‌پور، نادیا، ۱۳۴۸ -

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Research Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگرد: ۱۳۹۷ ۴۵۴/۱۱۱/۳ PIR

رده بندی دیویی: ۴۲/۴۶۰

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۸۵۸۵۰

فهرست

۷.....	مقدمه
۲۵.....	راهنمای اصطلاحات و نشانه‌ها
۲۷.....	متن انتقادی بر اساس چهار دست‌نوشته F3 و TD28, K20, M51 نادیا حاجی‌پور
۹۵.....	آوانویسی، ترجمه و تعلیقات فرزانه گشتاسب
	آوانویسی و ترجمه فارسی
۹۵.....	فصل ۱
۹۶.....	فصل ۲
۱۰۱.....	فصل ۳
۱۰۷.....	فصل ۴
۱۱۲.....	فصل ۵
۱۱۴.....	فصل ۶
۱۱۴.....	فصل ۷
۱۱۵.....	فصل ۸
۱۱۶.....	فصل ۹
۱۱۷.....	فصل ۱۰
۱۱۷.....	فصل ۱۱
۱۱۸.....	فصل ۱۲
۱۱۹.....	فصل ۱۳
۱۱۹.....	فصل ۱۴
۱۱۹.....	فصل ۱۵
۱۱۹.....	فصل ۱۶
۱۲۰.....	فصل ۱۷
۱۲۰.....	فصل ۱۸

۶ ❖ فرهنگ اویم ایوک

۱۲۱.....	فصل ۱۹.....
۱۲۱.....	فصل ۲۰.....
۱۲۲.....	فصل ۲۱.....
۱۲۲.....	فصل ۲۲.....
۱۲۲.....	فصل ۲۳.....
۱۲۲.....	فصل ۲۴.....
۱۲۳.....	فصل ۲۵.....
۱۲۹.....	فصل ۲۶.....
۱۲۹.....	فصل ۲۷.....
۱۳۳.....	یادداشت‌ها.....
۲۹۵.....	واژه‌نامه.....
۳۶۱.....	کتاب‌نامه.....

مقدمه

بیشتر آثاری که از زبان فارسی میانه زرتشتی باقی مانده است، آثار دینی درباره موضوعات کلامی، فقهی، اخلاقیات و یا اساطیر زرتشتی است و بخش بزرگی از این آثار دینی را متون زند و یا متون تألیف شده بر اساس زند تشکیل می‌دهد. در این میان، نوشته‌هایی چون رساله «یوشت فریان» که مشتمل بر تعدادی چیستان است، دو منظومه پارتی «یادگار زیربان» و «درخت آسوریک» و چند رساله کوچک تعلیمی مانند «رساله شطرنج»، «خسرو و ریدک» و «آیین نامه‌نویسی» در نگاه اول متونی غیر دینی به نظر می‌رسند، اما آنها نیز از صبغه دینی برخوردارند (تفضلی، ص ۱۱۳) و مطالب آنها با یکی از موضوعات یا یکی از شخصیت‌های مهم دینی پیوند دارد.

در میان آثار پهلوی، دو واژه‌نامه نیز وجود دارد که در زمره آثار خاص و مهم فارسی میانه قرار می‌گیرد و شاید بتوان آنها را متنی غیردینی به شمار آورد. یکی از آنها به نام «فرهنگ پهلوی» مشتمل بر هزوارش‌ها (واژه‌هایی از اصل آرامی) و معادل پهلوی آنها، همچنین لغات دشوار و مبهم فارسی میانه است؛ و واژه‌نامه دیگر که موضوع این پژوهش است، «فرهنگ اویم ایوک» نام دارد که فرهنگی است دوزبانه مشتمل بر واژه‌ها و عبارات اوستایی و ترجمه پهلوی آنها.

عنوان «فرهنگ اویم ایوک» در نسخه‌های خطی این کتاب نیامده است، پژوهشگران این عنوان را بدین سبب برای این متن برگزیده‌اند که نخستین واژه این فرهنگ، واژه اوستایی oīm و زند آن ēwak/ēk است. در خود کتاب و پیش از واژه oīm فرهنگ چنین معرفی شده است:

abar bēšnāxtan wāz ud mānīgān ī abēstāg kū-š zand čē ud čiyōn.

برای شناختن سخن و کلمات اوستا، که زند آنها چه و چگونه است.

ساختار فصل‌های مختلف این فرهنگ یکسان نیستند، در برخی از فصول این فرهنگ، واژه‌ها بر اساس موضوع و در برخی فصول دیگر (فصل چهارم تا بیست و چهارم) به ترتیب الفبایی مرتب شده‌اند؛ فصل دوم نیز شامل نکات دستوری در زبان اوستایی است. این فرهنگ را با توجه به موضوعات گوناگونی که در آن مطرح شده است، به ۲۷ فصل تقسیم کرده‌اند.

به نظر نگارنده این سطور آنچه با عنوان فرهنگ *اویم ایوک* امروز در دست است، گلچینی است از فرهنگ‌های متعددی که در ایران باستان برای متون اوستایی وجود داشته است. برخی از این فرهنگ‌ها موضوعی بوده است و برخی دیگر الفبایی، و متونی هم برای آموزش دستور زبان اوستایی موجود بوده که بخش کوچکی از آن در فصل دوم فرهنگ *اویم ایوک* باقی مانده است. کهنگی و قدمت این فرهنگ از ویژگی‌های مهم دیگر آن است، به طوریکه برخی پژوهشگران زمان تدوین بخش‌های موضوعی این فرهنگ را به دوره هخامنشیان نسبت می‌دهند. این فرهنگ به دلیل دربرداشتن لغات، اصطلاحات و عباراتی که در متون اوستایی کهن وجود داشته است و اکنون در دست نیست، اهمیت بسیار دارد.

ویژگی‌های فرهنگ اویم

فرهنگ *اویم* مشتمل بر حدوداً ۹۰۰ واژه اوستایی (با در نظر گرفتن صورت‌های صرفی و بدون شمارش واژه‌های تکراری) است که از آن میان تقریباً ۳۶۰ واژه «تکامد» (hapax legomenon) اند یعنی در بخش‌های دیگر اوستا دیده نمی‌شوند و تنها در این فرهنگ به کار رفته‌اند. از آن مهم‌تر، از ۱۰۰ جمله و عبارتی که در فرهنگ *اویم* آمده است، تنها ۲۹ جمله و عبارت در اوستای کنونی باقی مانده است.^۱ این عبارات و جملات یقیناً از متنی انتخاب شده‌اند که در زمان تألیف بخش‌های مختلف این فرهنگ، در دست مؤلف بوده است و اکنون اثری از آنها باقی نمانده است. به این ترتیب می‌توان حدس زد متن اوستایی که فرهنگ‌نامه آن اکنون باقی مانده است، حداقل سه برابر اوستای کنونی بوده است.

اما باید توجه داشت که این فرهنگ، تمام و کمال به دست ما نرسیده است^۲، شمار واژگانی که در فصل‌های چهارم تا بیست و چهارم به ترتیب الفبایی آمده و مقایسه آنها با فرهنگ‌هایی که برای اوستای کنونی نوشته شده‌اند مانند واژه‌نامه ایرانی باستان تألیف کریستیان بارتولومه (Ch. Bartholomae)، این نسبت را گاه تا ده‌ها برابر افزایش می‌دهد. چنین است که تردید ما درباره بخش‌های بازمانده از اوستای بیست‌ویک نسکی دوره ساسانی یا حتی اوستایی کهن‌تر صورتی نو

^۱ اشه فهرستی از عبارات و جملات اوستایی فرهنگ *اویم* و شواهد آنها را در اوستای کنونی، در مقدمه کتاب خود آورده است (Asha, 2009, pp. 6-11).

^۲ با بررسی شمار واژه‌های این فرهنگ و نیز محتوای فصول آن، نگارنده احتمال می‌دهد که اگر فرهنگ واژه‌های اوستایی مشتمل بر حداقل تمامی واژه‌های اوستای کنونی بود، اندازه آن سی برابر فرهنگ‌نامه‌ای بود که اکنون به دست ما رسیده است.

به خود می‌گیرد، و همچنین دربارهٔ این نظر مشهور که «اوستایی که اکنون در دست است، تنها یک چهارم کتابی است که در دورهٔ ساسانیان وجود داشته است» (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۳۶).

۱. طبقه‌بندی موضوعی در فرهنگ اویم

می‌دانیم که شیوه فرهنگ‌نویسی موضوعی، شیوه‌ای بسیار کهن و باستانی است که در فرهنگ‌های سومری و اکدی نیز دیده می‌شود (نک. بختیاری، ۱۳۸۰، ص ۲۱). در فصل نخست، دوم، سوم، بیست و پنجم، بیست و هفتم و احتمالاً فصل بیست و ششم، واژه‌ها بر اساس موضوع نظم یافته‌اند. در فصل نخست اعداد از یک تا ده شمرده شده‌اند؛ در فصل دوم مقوله‌های دستوری اوستا با مثال و گاه شرحی مختصر آورده شده است؛ در فصل سوم بخش‌های مختلف بدن انسان، صفاتی که برای آنها به کار می‌رود و نیز واژه‌هایی که بیانگر انواع سخن و گفتار است، نام برده شده است؛ فصل بیست و پنجم به انواع گناهان و تاوان آنها می‌پردازد و فصل بیست و هفتم واحدهای اندازه‌گیری طول و زمان را برمی‌شمارد؛ فصل بیست و ششم نیز مشتمل بر کلمات و عباراتی اوستایی است که ظاهراً ارتباط موضوعی ندارند اما می‌توان احتمال داد که بخشی کوچک از یک واژه‌نامه بوده که ناقص به دستمان رسیده است.

بررسی محتوایی این فصول نشان می‌دهد که هیچ یک از آنها به طور کامل به دست ما نرسیده است. در فصل اول که به اعداد اوستایی اختصاص دارد، اعداد ۱ تا ۳ و عدد ۶ به صورت عدد اصلی و ترتیبی، عدد ۳ به صورت عدد اصلی، ترتیبی و کسری، اعداد ۴ و ۵ فقط به صورت عدد اصلی و کسری، اعداد ۸ و ۹ فقط به صورت عدد کسری و اعداد ۹ و ۱۰ فقط به صورت ترتیبی آورده شده‌اند. همچنین برای اعداد ۲ و ۳، صورت *duvaiiā* و *θraiiāqam* (زند: *sinin dōnin*) را داریم که دقیقاً نمی‌دانیم به چه معنایی است.

فصل دوم شامل نکات گرامری و معنایی است. در این فصل از جنس مذکر و مونث، و شمار مفرد و مثنی و جمع اسامی، حالت‌های صرفی اسم و صفت و ضمیر، صرف افعال و حتی جزئیاتی چون نیکی و بدی واژه‌ها سخن به میان آمده است.

*ēn abārīg māriḡān az abestāg: narīh ud mādagih, ud tāḡih ud
juxtīh, ud wehīh ud wattarīh, ud nidomīh ud mayānagih ud
ayrēih, ud aziših ī az kū ān āyēd, ud padīših ī abāg rawēd, ud
awiših ī kū ān paywandēd*

این شمارگان [و صرف‌های] دیگر از اوستا [پیداست]: نری و مادگی (=مذکر و مؤنث بودن)، فرد و جفت بودن (مفرد و جمع بودن)، نیکی و بدی، کمترین بودن، میانگی و بزرگترین بودن، از آن بودن (حالت ازی) یعنی از جایی که آن می‌آید، و به آن بودن (حالت برایی/بایی) یعنی با [آن] می‌رود، متعلق پدان بودن (حالت وابستگی) یعنی آنچه که آن [پدان] می‌پیوندد (فرهنگ/اویم، فصل ۲، بند ۱).

در بند دوم همین فصل صورت‌های مختلف صرفی واژه *va/uba* «دو (عدد)» با مثال‌هایی از کاربرد خاص آن در معانی مختلف آورده شده است. این مثال‌ها احتمالاً از متونی برداشته شده‌اند که در آنها صفت *va/uba* با موصوفه‌هایی متفاوت به کار رفته بوده است. مثلاً واژه *vaiiā* در این فرهنگ چنین ترجمه شده است: «بر [دو گروه] پرهیزکاران و دروغکاران». این واژه که در اینجا در حالت وابستگی مثنی از ستاک *uua/uba* صرف شده است، به خودی خود معنای خوب یا بد ندارد، بلکه احتمالاً در متنی اوستایی به دو گروه پرهیزکاران و دروغکاران اشاره داشته است، مثلاً در مهریشت چنین عبارتی باقی مانده است که ممکن است منبع این واژه در فرهنگ اویم بوده باشد:

vaiiā zī asti miθrō druuaatēca aṣaonaēca.

مهر از آن هردو [گروه] است، برای دروندان و پرهیزکاران (یشت، ۲/۱۰).

مثال‌های دیگر از صرف واژه *va/uba* نیز از همین دست است و احتمالاً از متنی اوستایی برداشته شده‌اند که اکثرشان امروز در دست نیست.

در بند سوم، فعل اوستایی *kāy* در وجه التزامی و در سه شمار مفرد و مثنی و جمع (*cikaiiat*, *cikaiiatō*, *cikaen*) با مثال اوستایی صرف شده و در ادامه، بر این امر تأکید شده است که برخلاف زبان اوستایی، در زند صرف مثنی و جمع فعل تفاوتی ندارد:

برای سه نفر، گفته می‌شود: *cikaen*، در زند همانگونه [ترجمه می‌شود]: جبران کنند،

همانگونه که برای دو نفر [به کار می‌رود]؛ اما در اوستا متفاوت است، زیرا برای دو

cikaiiatō و برای سه *cikaen* [گفته می‌شود] (فرهنگ/اویم، فصل ۲، بند ۳).

برخی از صرف‌های ضمیر اول و دوم شخص در بند چهارم آمده است. اشاره به صورت‌های متفاوت صرفی در اوستای گاهانی نشان از آگاهی دقیق مؤلف فرهنگ از زبان اوستایی گاهانی و متأخر دارد. اشاره به گویش متفاوت گاهانی نسبت به اوستایی متأخر در دیگر بخش‌های این فرهنگ نیز دیده می‌شود:

vō: شما؛ vā: شما، در گاهان؛ nō: ما؛ nā: ما، در گاهان (فرهنگ /ویم، فصل ۲، بند ۴).

زند *yā gāmcā ašəmca dāt* [چنین است]: کسی که گوسفند و نیز پرهیزکاری را آفرید. در *yā* گاهان، مطابق با *yō* در جای دیگر [است] و زند آن همین گونه اغلب *kē* گفته شود (همان، فصل ۴، بند ۳).

نکته دیگری که در این قطعه بدان اشاره رفته است، معانی مختلف برای یک واژه است. برای نمونه واژه اوستایی *nā* که:

«جایی به معنی «مرد» است و جایی به معنی «یا»؛ واژه اوستایی *vī* که «جایی است به معنی «شما» و جایی به معنی «تعقیب» است؛ و واژه اوستایی *apa* که «جایی است به معنی «آب» و جایی به معنی «باز، دوباره» و جایی به معنی «به» است» (همانجا).

صرف‌هایی از دو واژه اوستایی *pərənāiu* «جوان» و *apərənāiuuka* «کودک» که صفت‌اند و واژه *nar* «مرد» که اسم است، در بند پنجم آمده است. این سه واژه جز آنکه نمونه‌هایی از صرف اسم و صفت را نشان می‌دهند، از نظر معنایی به هم مربوط و به سه مقطع سنی یک فرد اشاره دارند. چنین ارتباط معنایی را در بند ششم با تفصیل بیشتری درباره «زن» می‌توان یافت، واژه‌هایی که بر موقعیت‌های اجتماعی زنان یا عناوین خاص آنها دلالت دارد (← فرهنگ /ویم، فصل ۲، بند ۶).

در فصل سوم از فرهنگ /ویم بیش از صد واژه درباره بخش‌های مختلف بدن انسان آمده است. به نظر می‌رسد که واژه‌ها با نظم و ترتیبی منطقی قرار گرفته‌اند: نخست صفاتی درباره اندام و بدن انسان آمده است مانند *hutāštō*: نیک ساخته، یعنی خوب بودن استخوان [و استخوان‌بندی]، «*huraodō*: نیک رسته، یعنی خوب بودن گوشت [و پیکر]»، «*hukərəfš*: نیک تن، یعنی تناسب اندام»؛ سپس انواع مو و پوست و بعد از آن، نام اندام‌ها که از سر و پیشانی شروع می‌شود و به پا (اوستایی: *paitištāna*)، قوزک پا (اوستایی: *zənga*)، روی پا (اوستایی: *fra-pad/fra-bd*)، کف پا (اوستایی: *haxa*) و چند واژه دیگر مانند عرق (اوستایی: *x^vaēda*)، خون (اوستایی: *voḥunī*)، استخوان (اوستایی: *asta*) پایان می‌گیرد. در ابتدای این فهرست، پس از واژه‌های لب (اوستایی: *aoštra*)، دندان (اوستایی: *dantan*)، دهان (اوستایی: *āh/āpḥan*)، زیر دندان (اوستایی: *sparṇha*) و زبان (اوستایی: *hizuuā*)، عبارات و واژه‌هایی در توصیف کلام آمده است که بسیار

قابل توجه است و گستردگی حوزه واژگان را در این موضوع نشان می‌دهد (← فرهنگ اویم، فصل ۳، بندهای ۵-۶).

در فصل بیست و پنجم فرهنگ اویم، اسامی، اصطلاحات اوستایی گناهان و مجازات آنها آمده و توضیحاتی به زبان پهلوی دربارهٔ هریک داده شده است. اکثر واژه‌ها و اصطلاحات اوستایی این فصل تکامند و در بخش‌های دیگر اوستا اثری از آنها نیست. همچنین برای توضیحاتی که دربارهٔ گناهان یا مجازات آنها داده شده، همانند و نظیری در متون زند و پهلوی نداریم. این توضیحات گاه بسیار پیچیده و مبهم‌اند و با توجه به آگاهی اندک ما درباره گناه در متون اوستایی و پهلوی بسیار ارزشمندند؛ مثلاً درباره گناه *baodō.varšta* که چند بار در اوستا و به ویژه در وندیداد نام برده شده و *baodō.jaiti* که بجز این فرهنگ، تنها یک بار در نیزنگستان (قطعهٔ ۲۱/۴۹) آمده است (Kotwal and Kreyenbroek, 2003, p.)، شرحی مفصل می‌یابیم (← فرهنگ اویم، فصل ۲۵، بند ۱).

فصل بیست و هفتم از فرهنگ اویم دربارهٔ واحدهای اندازه‌گیری طول و زمان است. برخی از این واحدها در دیگر متون اوستایی و نوشته‌های پهلوی باقی مانده است، اما اکثر آنها تنها در این فرهنگ آمده است. در بررسی این فصل از فرهنگ اویم معلوم می‌شود که دو مقیاس اصلی برای ساخت واحدهای دیگر اندازه‌گیری به کار رفته است، یکی «انگشت» و دیگری «هاسر». احتمالاً انگشت و واحدهایی که از آن ساخته شده‌اند، برای اندازه‌گیری طول اجسام و فواصل کوتاه به کار می‌رفته‌اند و هاسر و واحدهایی که بر اساس هاسر ساخته شده‌اند، برای اندازه‌گیری مسافت و فواصل طولانی. هنینگ (1942, pp. 235-236) معتقد است واحدهایی که برای اندازه‌گیری فواصل کوتاه به کار می‌رفته‌اند مانند *paḍa*, *dišti*, *uz-ašti* و جز آن شباهت بسیاری با سیستم اندازه‌گیری یونانی-رومی دارد و احتمالاً به وسیلهٔ فاتحان مقدونی در ایران رواج یافته است؛ اما واحدهایی که برای اندازه‌گیری فواصل بلند به کار می‌رفتند، مانند هاسر (طول میدان اسب‌دوانی) و مضارب آن اصالتاً ایرانی بوده و از مسابقات اسب‌دوانی که ورزش خاص ایرانیان بوده، اشتقاق یافته است. البته به نظر نگارنده اندازه‌گیری با انگشت و مضارب آن، که اساس شمارش نیز بوده، در جهان باستان چنان عمومیت داشته است که می‌توان قدمت این نظام را به دوران هندواروپایی رسانید، نظامی که هم در فرهنگ یونانی-رومی و هم در هند و نیز ایران به جای مانده است.

واحدهایی که بر اساس «انگشت» (اوستایی: *ərəzu*) ساخته شده‌اند عبارت‌اند از: بدست (اوستایی: *vitasti*)، دشت (اوستایی: *dišti*)، اُلشت (اوستایی: *uz-ašti*)، فراراست یا ارش (اوستایی: **frarā*)

(*θni-*)، فرابازو (اوستایی: **frabāzu-*)، باز (اوستایی: *-vībāzu*)، پا (اوستایی: *-paða*) و گام (اوستایی: *-gāiia*).

واحدهایی که بر اساس «هاسر» ساخته شده‌اند عبارت‌اند از: تچر (اوستایی: *-tacar*)، آسنست (اوستایی: *-āšnaiiasti**)، دشَمِست (اوستایی: *-daxšmaiti*) و یوجِست (اوستایی: *-yujiiasti*). رابطهٔ این واحدها با یکدیگر بدین شرح است:

$$uz-ašti = 8 \text{ } \varepsilon r \varepsilon zu$$

$$dišti = 10 \text{ } \varepsilon r \varepsilon zu$$

$$paða = 16 \text{ } \varepsilon r \varepsilon zu$$

$$vībāzu = 2 \text{ } frabāzu = 4 \text{ } frarāθni = 8 \text{ } vitasti = 96 \text{ } \varepsilon r \varepsilon zu$$

$$vībāzu = 2 \text{ } gāiia = 4 \text{ } frarāθni$$

$$gāiia = 3 \text{ } paða = 4 \text{ } vitasti = 48 \text{ } \varepsilon r \varepsilon zu$$

$$yujiiasti = 2 \text{ } daxšmaiti = 4 \text{ } āšnaiiasti = 8 \text{ } tacar = 16 \text{ } hāθra$$

۲. ترتیب الفبایی در فرهنگ اویم

چنان که پیشتر اشاره شد، از فصل چهارم تا بیست و چهارم، واژه‌ها به ترتیب الفبایی منظم شده‌اند. ترتیب الفبایی واژه‌ها در این فصول چنین است:

y, k, x, š, m, a, ā, v, u, p, m, s, f, d, j, b, r, t, c, z, g, ġ, γ, θ, h

واژه‌های فصل‌های چهارم تا بیست و چهارم نیز، مانند موضوعاتی که در فصول آغازین و پایانی کتاب آمده است، نمایندهٔ بخش کوچکی از واژه‌های اوستایی‌اند، برای نمونه در واژه‌نامه‌ای که برای اوستای کنونی نوشته شده است، در مدخل x حدود ۱۳۰ واژه وجود دارد (Bartholomae, 1904, col. 531-563)، اما در فصل پنجم فرهنگ اویم تنها از نُه واژه که با حرف x آغاز می‌شود یاد شده است، که چهار واژه از این نُه واژه نیز تنها در همین فرهنگ به کار رفته است. به این ترتیب روشن است که اگر قرار بود این فصل مشتمل بر تمام واژه‌های بازماندهٔ اوستایی بود که نخستین نویسهٔ آنها حرف x است، باید حداقل سیزده برابر می‌شد.

بجز ترتیب الفبایی که در این فرهنگ آمده است، فهرست کهن دیگری به دست نیامده است که ما بدانیم واژه‌نامه‌های الفبایی اوستا را به چه ترتیبی می‌نوشته‌اند. ترتیبی که در فرهنگ اویم

نیز آمده است به نظر نمی‌رسد ترتیبی قدیمی و اصیل باشد و مدخل برای حرف m و تفاوت آن با فهرست‌های حروف اوستا این امر را تصدیق می‌کند.

در آغاز اکثر دست‌نوشته‌های خرده/اوستا و یشت‌ها فهرستی از حروف الفبا دیده می‌شود. گلندر (1886, p.ii, note 1) معتقد است تقریباً تمامی فهرست‌هایی که در ابتدای دست‌نویس‌های قدیمی قرار داشته، از بین رفته است و آنچه در آغاز دست‌نویس‌های موجود، باقی مانده، بعدها نوشته شده است.^۳ در آغاز مجموعه روایات داراب هرمزیار نیز سه فهرست از حروف اوستایی آمده است، که احتمالاً از برگ‌های آغازین دست‌نوشته‌های خرده/اوستا گردآوری شده است. برای نمونه، فهرست سوم را می‌توان در آغاز دست‌نویس خرده/اوستا به شماره B5 از کتابخانه دانشگاه بمبئی (Bombay University Library) و در صفحه چهارم این دست‌نویس یافت.^۴

بجز این سه فهرست، ریچارد لپسیوس (Lepseus, 1863, pp. 299-301) دو فهرست دیگر نیز در دست‌نوشته‌های اوستایی یافته و معرفی کرده است. نخستین و دومین فهرست بر اساس روایات داراب هرمزیار ترتیبی شبیه به ترتیب الفبای عربی دارند که پس از حرف «ی» حروف دیگر اوستایی بدان اضافه شده است. سومین فهرست روایات داراب هرمزیار بیش از دیگر فهرست‌ها، در آغاز دست‌نویس‌های اوستا آمده است و گاه تفاوت‌هایی بین نسخه‌های مختلف دیده می‌شود. لپسیوس چهار فهرست الفبایی شبیه به سومین فهرست روایات داراب هرمزیار را با یکدیگر مقایسه و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها را در جدولی نشان داده است (Ibid., zu p. 307). آواتوسی ترتیب الفبایی این فهرست در روایات داراب هرمزیار چنین است:

g̃ỹ . ŋ̃ . aŋ̃ . ŋ̃ . x̃ . k̃ a h r l . z̃ ž . š̃š̃ . z̃ a s n . a n a n i i a . d̃ ð
 ʔ . θ t . w b . f p . m m̃ . v x̃ . y a i i a . z c . â . u u õ . y ē . a m . u m . i
 m . ə u u õ . i e . n̄ u m i m (Unvala, 1922, pp. 2-3)

فهرست اول که بر اساس الفبای عربی تنظیم شده، در روایات داراب هرمزیار «حرف‌های پازند یعنی پهلوی» نام دارد و احتمالاً برای نوشتن متون پازند به کار می‌رفته است.^۵ فهرست دوم با احتساب دو نشانه برای حرف l که در متون اوستایی به کار نرفته است و خاص متون پازند است،

^۳ برای نمونه وی به وجود فهرست‌های الفبا در آغاز دست‌نویس‌های E1, F1, J9, J10, L18, O3, W1 اشاره کرده است (Geldner, 1886, pp. ii- xiii).

^۴ برای تصویر این دست‌نویس ← http://ada.usal.es/paginas/buscador_tipo

^۵ در این فهرست برای نمونه حروف اوستایی f (𐬀) و ž (𐬁) دیده نمی‌شود و به جای آن‌ها به ترتیب e (𐬂) و ŋ (𐬃) نوشته‌اند که از تغییراتی است که در خط اوستایی هنگام نوشتن متون پازند به وجود آمده است.

۵۴ حرف دارد و تقریباً تمامی نشانه‌های اوستایی را شامل است. عنوان این فهرست در روایات *داراب هرمزیار* چنین است: «حرف‌های اوستا و زند این است». این فهرست را موبدان پارسی در هند فراهم آورده‌اند (Dhabhar, 1932, p.1). فهرست سوم نیز که بیشتر بدان اشاره رفت و آوانویسی آن آورده شد، به دست موبدان یزد و کرمان فراهم آمده است (Ibid.). این فهرست نیز تقریباً تمامی حروف اوستایی را بجز چند حرف (مانند a, qō) دارد. گونه دیگری از این فهرست با کمی تفاوت ولی ترتیبی منظم‌تر در برخی دست‌نویس‌ها موجود است:

g ġy . h k . x ŋŋ . šš . s n . δ d . θ t . žš . w b . f p . m m . v x . y j . š

? c . ŋ n uu ii . a . ā . i ī . o ō . əə . u ū . j a . l r . uu ii â t . e ē . r . l

(Lepseus, 1863, zu p. 307, col. 3).

فهرست‌های ایرانی، با عبارت «به نام یزدان» (پازند: panam i yazdan) آغاز می‌شوند. این فهرست‌ها نزد زرتشتیان از تقدس دینی برخوردارند و کودک در مراسم تشریف آیینی زرتشتی که «سدره‌پوشی» نام دارد، پیش از خواندن دعاها و نیایش‌های دیگر ویژه این مراسم، این فهرست را می‌خواند (Dhabhar, 1932, p.1) و عبارت «به نام یزدان» نیز به همین دلیل در ابتدای این فهرست آمده است.

بررسی و مقایسه فهرست‌های الفبایی موجود برای حروف اوستا، هیچ قاعده کلی را به دست نمی‌دهد از سوی دیگر فهرست الفبایی فرهنگ *اویم* نیز به هیچ یک از این فهرست‌ها شباهت ندارد. مشکل بتوان فهرست الفبایی فرهنگ *اویم* را کهن و اصیل دانست یا حتی آن را به دوران ساسانیان نسبت داد. به نظر می‌رسد در قرن سوم یا چهارم هجری، آنچه از فرهنگ‌های الفبایی کهن باقی مانده بود، با ترتیبی که می‌بینیم و در فرهنگ *اویم* به دست ما رسیده، تدوین نهایی شده است.

۳. قدمت فرهنگ *اویم*

درباره زمان تدوین فرهنگ *اویم* به آسانی نمی‌توان نظر داد. احتمالاً تدوین نهایی کتاب در اواخر دوره ساسانی یا قرون اولیه اسلامی (قرن سوم یا چهارم هجری) انجام گرفته باشد (تفضلی ۱۳۷۸، ص ۳۳۴؛ Asha 2009, p. 3). اما بی‌تردید نخستین تدوین این فرهنگ بسیار قدیمی‌تر است. جاماسب‌جی آسا (1867, p.ii) دوره هخامنشیان، حدود قرن هفتم پیش از میلاد را پیشنهاد داده است، اما هاوگ (Ibid, p. xlvi) این تاریخ را اندکی قدیمی می‌داند و معتقد است بخشی از فرهنگ که قدیمی‌تر است، یعنی فصل‌هایی که واژه‌ها بر اساس موضوع ترتیب یافته‌اند، در دوره

هخامنشیان و بخش‌های جدیدتر آن، فصل‌هایی که واژه‌ها به ترتیب الفبایی منظم شده‌اند، احتمالاً در دورهٔ پارتیان نوشته شده‌است. دو ویژگی مهم بر کهن بودن این فرهنگ دلالت دارند:

(۱) آگاهی‌هایی که دربارهٔ دستور زبان اوستایی از این فرهنگ (به ویژه از فصل دوم) به دست می‌آید نسبتاً دقیق و متعلق به زمانی است که نویسنده یا نویسندگان این فرهنگ از دانش بالایی در زبان اوستایی برخوردار بوده‌اند، برای نمونه نویسندهٔ فرهنگ از تفاوت اوستای گاهانی و اوستای متأخر در صرف واژه‌ها آگاه بوده است، تمایز سه شمار مفرد، مثنی و جمع را در صرف اسم، صفت، ضمیر و فعل به خوبی می‌دانسته و از معانی مختلف یک واژه در متون گوناگون اطلاع داشته است. (۲) چنان که پیش از این بررسی شد، در این فرهنگ جملات و عباراتی از بخش‌های مفقود اوستا دیده می‌شود که در زمان ساسانیان نیز احتمالاً وجود نداشته و یا به صورت ناقص در دست بوده است، همچنین واژه‌های بسیاری در این فرهنگ هست که در اوستای کنونی هیچ شاهد دیگری ندارد یا صورت‌های صرف‌شدهٔ دیگری از آن در اوستا دیده می‌شود. این امر نشان از آن دارد که در زمان تدوین اولیهٔ این فرهنگ متون اوستایی بسیار کامل‌تری در دسترس نویسنده بوده است.

در فرهنگ اویم، هم مبحث دستور زبان اوستایی مطرح شده است، هم معنای واژه‌های اوستایی به پهلوی؛ در برخی فصل‌های فرهنگ، واژه‌ها بر اساس موضوع منظم شده‌اند و در برخی فصل‌ها بر اساس ترتیب الفبایی؛ این گوناگونی موضوعی می‌تواند به دلیل منابع متفاوت فرهنگ پدید آمده باشد. احتمالاً در دوره‌های قدیمی‌تر، فرهنگ‌های مختلف موضوعی وجود داشته است که برخی به دستور زبان اوستایی و برخی دیگر به معنای واژگان می‌پرداختند، همچنین واژه‌نامه‌هایی برای متون مختلف اوستا و زند موجود بوده که واژه‌ها را به ترتیب الفبایی ارائه می‌داده است. دو فصل مجزا برای حرف *m* (فصل‌های ۶ و ۱۱) شاید بازماندهٔ دو واژه‌نامه از دو متن متفاوت است. بنابراین فرهنگ اویم را باید بازماندهٔ واژه‌نامه‌هایی دانست که از دوره‌های کهن‌تر باقی مانده بود و در قرن سوم و چهارم هجری گردآوری و تدوین همین تعداد واژه میسر شد.

جاماسب‌جی آسا (1867, p.i) معتقد است منظور از تألیف این فرهنگ، آشنایی زبان‌آموزان با زند واژه‌ها و عبارات اوستایی بوده است. وی این فرهنگ را با متونی مشابه در زبان سنسکریت (مانند *Amara kośa*, *Pāṭhāvali* و *Dhātukośa*)، *نصاب‌الصیبیان* در زبان عربی و *آمدنامه* و *فارسیات* در زبان فارسی مقایسه کرده که برای تعلیم معانی لغات و صرف افعال نوشته شده است. این نظر جاماسب‌جی قابل تأمل است، حداقل می‌توان یقین داشت که فصل دوم فرهنگ اویم، به قصد آموزش دستور زبان اوستایی نوشته شده است. توضیحات بسیار ساده برای حالت‌های صرفی

و سه شمار مفرد و مثنی و جمع، همچنین ذکر مثال برای صرف‌های مختلف اسم، صفت، ضمیر و فعل دلالت بر کاربرد آموزشی این فصل دارد.

پژوهش‌های پیشین

نخستین آوانویسی فرهنگ *اویم* را همراه با ترجمهٔ واژه‌های پهلوی آن آنکتیل دوپرون در سال ۱۷۷۱ منتشر کرد (Duperron 1786, vol.2, part 3, pp. 139-166). وی این فرهنگ را «واژه‌نامهٔ زند و پهلوی» نام نهاده است و آن را نه به شکل اصلی کتاب، بلکه به صورت واژه‌نامه با ترتیب الفبایی به چاپ رسانده است؛ یعنی آوانویسی واژه‌های اوستایی و پهلوی، همچنین ترجمهٔ فرانسهٔ تمامی واژه‌هایی که در عبارات و جملات این فرهنگ به کار رفته، به ترتیب الفبایی زیر آورده است:

a/e, b, t, dj, kh, d, r, z, s, sch, gh, f, k, g, m, n, v, h, i, tch, p, j, o, é, â, th, ou

دومین ویرایش فرهنگ *اویم* توسط هوشنگ جاماسب‌جی آسا و با بازبینی، مقدمه و یادداشت‌های مارتین هاوگ در سال ۱۸۶۷ با عنوان «واژه‌نامهٔ زند - پهلوی» به چاپ رسید. متن اوستایی - پهلوی این ویرایش بر اساس مقایسه و تطبیق شش دست‌نویس تهیه شده است که چهار دست‌نویس، بسیار متأخرند و به سال‌های ۱۱۵۰ یزدگردی (۱۷۸۱ م)، ۱۱۶۰ یزدگردی (۱۷۹۱ م)، ۱۱۹۴ یزدگردی (۱۸۲۵ م) و ۱۲۰۸ یزدگردی (۱۸۳۹ م) تعلق دارند. یکی از دست‌نوشته‌ها که وی آن را «دست‌نوشته‌ای بسیار درست» دانسته است، در زمان انتشار کتاب، ۳۰۰ تا ۳۵۰ سال قدمت داشته است و نام نویسنده و سال نسخه‌برداری آن معلوم نیست. دست‌نویس ششم که از پنج دست‌نویس دیگر قدیمی‌تر و معتبرتر است، همان دست‌نویس M51 است که جاماسب‌جی آسا از آن با عنوان DH یاد کرده است و خود وی نیز آن را مهم‌ترین دست‌نویس فرهنگ *اویم* دانسته است، این دست‌نویس به ۷۶۶ یزدگردی (۱۳۹۷ م) تعلق دارد. در ویرایش جاماسب‌جی آسا و هاوگ تمامی فرهنگ به خط اوستایی و پهلوی، تصحیح و همراه با آوانویسی و ترجمهٔ انگلیسی واژه‌های زند به چاپ رسیده است، همچنین یادداشت‌هایی سودمند در پانویس بخش ترجمه آورده شده است. در پایان کتاب واژه‌نامهٔ اوستایی با توضیحات صرفی و ارجاع به متن قرار گرفته است.

رایشلت سومین ویرایش فرهنگ *اویم* را در سال ۱۸۹۹ و واژه‌نامهٔ آن را در سال ۱۹۰۱ منتشر کرده است. ویرایش رایشلت بر اساس دست‌نویس M51، که وی از آن با عنوان MH6 نام می‌برد، انجام گرفته است، او نیز تمامی متن فرهنگ را به خط اوستایی و پهلوی به چاپ رسانده، تمام متن را آوانویسی کرده و به اختلاف دو دست‌نویس M51 و K20 در پانویس هر صفحه اشاره کرده

است. در واژه‌نامه نیز تمامی واژه‌های اوستایی را به ترتیب الفبایی همراه با ترجمه انگلیسی و زند آنها آورده است.

در سال ۱۹۶۸ کلینگن‌اشمیت به عنوان پایان نامه دکتری خود، فرهنگ اویم را با توجه به دو دست‌نویس M51 و K20 تصحیح و، حرف‌نویسی تمام متن را همراه با ترجمه آلمانی و یادداشت‌هایی عالمانه درباره واژه‌ها و عبارات این فرهنگ منتشر ساخت.

رهام اشه در سال ۲۰۰۹ جدیدترین ویرایش فرهنگ اویم را به نام *واژه‌نامه اوستا* به دست داده است. وی متن اوستایی و پهلوی فرهنگ را با توجه به چهار دست‌نویس M51، K20، TD28 و F3 تصحیح و در پانوشته این بخش به اختلاف نسخ دست‌نویس اشاره کرده است؛ سپس واژه‌ها و عبارات اوستایی را همراه با زند آنها به همان ترتیبی که در فصول فرهنگ آمده است، آوانویسی و ترجمه کرده است، درباره آنها توضیحات صرفی و ریشه شناسی داده و با یادداشت‌هایی سودمند منتشر کرده است.

پایان نامه کارشناسی ارشد آقای سعدونی در پژوهشگاه علوم انسانی تنها پژوهشی است که به زبان فارسی درباره این فرهنگ انجام گرفته است.

دست‌نوشته‌های فرهنگ اویم

در این پژوهش از چهار دست‌نویس M51، K20، TD28 و F3 بهره برده شده است:

دست‌نوشته M51

جاماسب‌جی‌آسا از این دست‌نوشته با عنوان DH و رایشلت از آن با عنوان MH6 یاد کرده است. این دست‌نوشته را که مهم‌ترین دست‌نویس فرهنگ اویم به شمار می‌رود، «پشوتن رام» در اواخر قرن ۱۴ از روی دست‌نویسی که از ایران به هند آورده شده بود و به «رستم مهربان مرزبان جهشیار» تعلق داشت، نوشته است. دست‌نویس M51 اکنون در کتابخانه مونیخ نگداری می‌شود، اما در اصل متعلق به کتابخانه دستور خورشیدجی بارجورجی (Khorshedji Barjorji) در سورت (Surat) بوده و در سال ۱۸۶۴ به مارتین هاوگ داده شده است (Jamaspji-Asa 1867, p.xi). مهم‌ترین متون این مجموعه عبارت‌اند از: *هادخت‌نسک*، *شایست ناشایست*، *فرهنگ اویم*، *ارداویراف‌نامه*، *یوشت‌فریان* و *بندهش هندی* (تفضلی ۱۳۷۸، ص ۳۳۰). فرهنگ اویم در صفحات ۱۱۰ (پشت) تا ۱۳۰ (رو) قرار گرفته است.

در صفحه ۱۳۰ (رو)، هنگامی که فرهنگ/اویم به پایان می‌رسد، به خط فارسی نوشته شده است «مام شد اوستا لغت» و در حاشیه سمت راست صفحه انجامه‌ای از پشتون رام دیده می‌شود:

nibišt-um man dēn ī bandag hērbēd-zādag pešōtan rām az nasl mōbed
ohrmazdyār.

من دین‌بنده [و خادم دین] هیربد زاده، پشتون [فرزند] رام، از نسل موبد اورمزدیار [این فرهنگ را] نوشتم.

در همین دست‌نوشته، انجامه دیگری نیز از رستم مهربان و پشتون رام باقی مانده است، که تاریخ نگارش دست‌نویس M51 و دست‌نویس اصلی را معلوم می‌کند (← Klingenschmitt 1968, pp. i-ii; Asha 2009, p.14).

frazaft frazāmēnīd ēn mādayān ī⁺yošt ī fryān abāg ēn ardāwirāz
andar rōz ī amurdād māh šahrewar sāl ī 618 pārsīg. man dēn-
bandag rustahm ī mihrabān ī marzbān ī jahišn-ayār ī hērbēd az
dast-nibēg hērbēd mihrpanāhag ī srōšyār ī wē^hšāhpuhr ī hērbēd
nibišt. pad yazdān kāmag bawād.

frazaft frazāmēnīd ēn ardāwirāz abāg ēn mādayān ī yōšt ī fryān
andar rōz ī frawardīn māh wahman sāl ī 766 yazdgird šāhān šāh
⁺ohrmazdān. man dēn-bandag hērbēd-zādag awestād pešōtan
rām kāmdēn šahryār ⁺neryōsang šāhemard šahryār ⁺ī bahrām ⁺ī
mōbed ohrmazdyār ⁺ī hērbēd rāmyār <ud> az dast-nibēg hērbēd
rustahm ī mihrabān <ī> nibišt. pad yazdān kāmag bawād. az
šahristān (شاهریستان).

کامل شد، این کتاب یوست فریان با این ارداویراز[نامه] در روز امرداد، ماه شهریور، سال ۶۱۸ پارسی تکمیل شد. من دین‌بنده [و خادم دین] رستم مهربان مرزبان جهشیار هیربد از دست‌نویس هیربد مهرپناه سروشیار هیربد وه‌شاهپور [این کتاب‌ها را] نوشتم. به کام یزدان بواد.

کامل شد، این ارداویراز[نامه] با این کتاب یوست فریان در روز فروردین، ماه بهمن، سال ۷۶۶ [پس از] یزدگرد، شاه شاهان، فرزند اورمزد تکمیل شد. من دین‌بنده [و خادم دین] هیربد زاده، استاد پشتون [فرزند] رام کامدین شهریار نیروسنگ شاه‌مرد شهریار بهرام موبد

هرمزبیار هیرید رامیار، از دست‌نویس هیرید رستم مهربان [این کتاب‌ها را] نوشتیم. به کام یزدان یواد از شهر بروچ؟.

دست‌نوشته K20

این دست‌نوشته در نیمه دوم قرن ۱۴ از روی دست‌نویسی قدیمی‌تر که متعلق به مهربان کیخسرو مهربان اسفندیار مهربان مرزبان بهرام بود، نوشته شده است. مهربان کیخسرو به دعوت یک تاجر پارسی به نام چاهیل^۶ پسر سانگان^۷، از ایران به هند آمده بود. این دست‌نوشته را راسموس راسک^۸ در سفرش به شرق (۱۸۱۶-۱۸۲۳ م) از هند به کپنهاگ آورد و اکنون در کتابخانه سلطنتی همانجا نگاهداری می‌شود (Asha 2009, p.13, 15). هر دو دست‌نویس M51 و K20 اصلی مشترک داشته‌اند که اثری از آن در دست نیست. مهم‌ترین متن‌های این دست‌نوشته عبارت‌اند از: ارداویراف‌نامه، یوشت فریان، هادخت‌نسک، شایست ناشایست، فرهنگ اویم، بندش بزرگ، زند و هم‌ن‌سین و اندرز اوشتنر دانا (تفضلی ۱۳۷۸، ص ۳۲۶). این دست‌نویس سه انجامه در صفحات ۳۸ (رو)، ۵۱ (رو) و ۷۴ (رو) دارد که به ترتیب آواتویسی و ترجمه آنها می‌آید.

frazaft frazāmēnīd ēn mādayān [ī] +yōšt ī fryān abāg ēn ardāwirāz andar
+rōz rašn ud māh day sāl ī 690 yazdgirdīg. man dēn-bandag hērbed-zād
mihrabān kay-husraw ī mihrabān spandād ī mihrabān ī marzbān az
dast-nibēg hērbed mihrapānāhag ī srōšyār <ud>ī wē^bšāhpuhr ī hērbed
nibišt. pad yazdān kāmāg bawād.

کامل شد این کتاب یوشت فریان با این ارداویراز‌نامه [در روز رشن، ماه دی، سال ۶۹۰ یزدگردی تکمیل شد. من دین‌بنده [و خادم دین] هیرید زاده، مهربان کیخسرو مهربان اسفندیار مهربان مرزبان از دست‌نویس هیرید مهرپناه سروشیار هیرید و هشاهپور [این کتاب‌ها را] نوشتیم. به کام یزدان یواد.

andar rōz rašn māh ādur pērōzgar sāl 720 ī pārsīg andar 20 ō yazdgird
šāhān šāh ohrmazdān. man dēn-bandag hērbed-zād mihrabān ī kay-
husraw ī mihrabān spandād mihrabān ī⁺ marzbān ī spandād ī mihrabān

6. Chāhil

7. Sāngan

8. Rasmus Rask

marzbān andar hindūstān pad šahrestān kumbāyt nibišt. [pad] yazdān
kāmag bawād.

har kē xwānād hammōzād uš kār aziš kunād (gīrād)uš pačēn aziš kunād,
an kē nibištār hom pad nēkih nām barēd ud pad wahišt bahr arzānīg
dārād, uš pad gētīg tan husraw, uš pad mēnōg ruwān garōdmānīg
bawād. ēdōn bawād. ēdōntar bawād.

در روز رشن، ماه آذر پیروزگر، سال ۷۲۰ پارسی، در ۲۰ پس از یزدگرد (= ۷۴۰ یزدگردی) شاه شاهان، فرزند اورمزد [تکمیل شد] من دین‌بنده [و خادم دین] هیرید زاده، مهربان کیخسرو مهربان اسفندیار مهربان مرزبان اسفندیار مهربان مرزبان در هندوستان، در شهر کمبایت [این کتاب را] نوشتم. به کام یزدان بواد.

هرکه بخواند [و] بیاموزد و آن را به کار گیرد، و از آن رونویس کند، [و] من را که نویسنده هستم به نیکی نام برد و به بهره بهشت ارزانی [و شایسته] انگارد، تن او را در گیتی نیکنام و روان او در مینو گرودمانی [و در بهشت برین] بواد، ایدون بواد ایدون تر بواد.

انجامه دست‌نویس K20، صفحه ۷۴ (رو) که بعد از شایست ناشایست آمده، تنها به خط فارسی است:

ادر روز ادر ماه مهر پیروز کر سال هفتصد پارسی من دین بنده هربرداد مهربان کی خسرو مهربان مرزان [این کتاب شایست ناشایست را نوشتم].

دست‌نوشته TD28

دست‌نوشته TD28 به کتابخانه شخصی بهرام‌گور تهمورث انکلساریا تعلق دارد. این دست‌نویس شامل «گزیده‌های اوستای گاهان» (پهلوی: *čīdag abestāg ī gāhān*)، سه فصل از هادخت نسک، بخشی از هرمزد یشت (قطعه ۲۸ و ۳۰)، شایست ناشایست، فرهنگ اویم، ارداویراف‌نامه، یوشت فریان، گجستک ابالیس و متن‌های دیگر است (دست‌نویس ت ۲۸۵، پیشگفتار). فرهنگ اویم در صفحات ۱۳۱-۱۷۴ این دست‌نویس قرار دارد و در پایان متن فرهنگ اویم، انجامه‌ای دیده می‌شود که به نظر می‌رسد همان انجامه پایان فرهنگ اویم در دست‌نویس MS1 است؛ این دست‌نویس انجامه دیگری ندارد. در پایان صفحه ۱۷۴، نخست به خط فارسی نوشته شده است: «تمام شد اوستا لغت» و پس از آن به خط پهلوی چنین آمده است: